



انسان غافل بنده شهوت یا غضب خواهد شد/ جان را به یاد حق آباد کن

آیت الله جوادی آملی می نویسد: علی(ع) می فرماید یاد حق آب زندگانی است و جانی که به یاد حق، زنده است آباد است و همیشه میوه می دهد: «ثَوْتی أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ».

آیت الله جوادی آملی می نویسد: علی(ع) می فرماید یاد حق آب زندگانی است و جانی که به یاد حق، زنده است آباد است و همیشه میوه می دهد: «ثَوْتی أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ».

به گزارش خبرگزاری مهر، تشریح و تبیین نامه ها و جملات مولای متقیان علی(ع) در کتاب گرانسنگ نهج البلاغه، به عنوان چراغی فروزان و تابناک در بسیاری از امور فردی و اجتماعی بوده و راهگشای امور اخلاقی و اعتقادی تمام مسلمانان می باشد. صاحب تفسیر تسنیم، آیت الله جوادی آملی نیز در بیان و بنان خود بسیار بر آن تأکید داشته و دارد.

پند و نصیحت یکی از شیوه های بسیار کارآمد در تربیت نسل جوان و نوجوان قلمداد می گردد که اگر با دقت و ظرافت خاصی و در زمان مناسبی به کار رود آثار شگرفی را بدنبال خواهد داشت.

انس و صمیمیت در گفتار و یا به نوعی رفاقت والدین با فرزندان یکی از شیوه های زیبا در ارتباط گیری با آنان محسوب می گردد که امیرمؤمنان علی(ع) در نامه ی معروفی که برای فرزندش امام حسن(ع) یا ابن حنفیه مرقوم داشته، چنین کتابت فرمودند:

تو پاره تن منی، اگر خیر یا آسیبی به تو برسد گویا به من رسیده، من در آستانه افول و مرگم و می خواهم آنچه را در مکتب حق آموختم و آنچه از تجارب گذشته اندوخته برای تو بازگو کنم، تو این وصیت تعلیمی و تربیتی مرا بپذیر:

جانت را به یاد حق آباد کن/ انسان غافل یا برده شهوت یا بنده غضب خواهد شد

«فَاتَى أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ إِي بَنِي وَلِزُومِ أَمْرِهِ وَعِمَارَةِ قَلْبِكَ بِذِكْرِهِ» :

من تو را به تقوای خدا دعوت می کنم. تقوا نوری است که انسان را از بردگی رذائل رها می کند و از هر هلاکتی حفظ می نماید: «عِتْقٌ مِنْ كُلِّ مَلَكَةٍ وَتَجَاةٌ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ» :

می فرماید: تو را وصیت می کنم که جانت را به یاد حق آباد کنی، ذکر حق بر لب و یاد او در دل باعث حیات دل است، یاد حق آب زندگانی است و جانی که به یاد حق، زنده است آباد است و همیشه میوه می دهد: «ثَوْتی أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ» (ابراهیم، ۲۵).

و جانی که از یاد خدا غافل است مخروب و ویران است، جان ویران هرگز بار نمی دهد، انسان غافل در حال غفلت یا برده شهوت خواهد شد یا بنده غضب و کینه و انتقام و سرانجام در پرتگاه حیوانیت سقوط می کند.

فرزندم با قرآن انس بگیر/ هیچ رابطی قوی تر از رابط بین تو و خدا نیست

«والاعتصام بحبله»: به ریسمان الهی بیاویز. «حبل» ریسمانی است که یک طرف آن به جایی بسته باشد و طرف دیگر آن به دست کسی باشد که نیازمند به آویزه است تا با چنگ زدن به آن بالابرد. قرآن، حبل خداست و درجانی که دارد، علمی که به انسان می آموزد، راههای عملی که فراسوی انسان قرار می دهد طنابی است که یک سوی آن به دست خداست و سوی دیگرش به دست مردم، بشر با هر درجه ای از درجات قرآن انس بگیرد و بر اساس آن بفهمد و به حکم آن عمل کند به این ریسمان، چنگ زده و به همان میزان بالا آمده است، علم و عمل تار و پود این ریسمان است.

«وَأَيُّ سَبَبٍ أَوْثَقَ مِنْ سَبَبِ بَيْتِكَ وَبَيْنَ اللَّهِ إِنْ أَنْتَ أَخَذْتَ بِهِ» :

چه عامل ارتباطی قوی تر از عامل ارتباطی خدا است؟ به چه کسی می خواهی مرتبط بشوی؟ خودت که در معرض زوالی، دیگری نیز دستخوش زوال است، به هر موجودی بخواهی تکیه کنی آن هم در بستر مرگ است و با هر موجودی بخواهی مرتبط باشی دستخوش تحول و دگرگونی و زوال است، هیچ رابطی قوی تر از رابط بین تو و خدا نیست زیرا هیچ قدرتی همانند قدرت خدا

نیست او با این ربط، علوم و معارف را از یک سو، سجایای اخلاقی را از سوی دیگر می بخشد تو نیز از آن بهره می گیری. حال که با این ریسمان ارتباط برقرار کردی:

جانت را با پند و اندرز زنده نگه‌دار/ نگذار جانت در اثر غفلت بمیرد

«أَحْيِ قَلْبِكَ بِالْمَوْعِظَةِ»: موعظه «جَذَبَ الْخَلْقَ إِلَى الْحَقِّ» است، کششی است که در انسان پیدا می شود و او را به سَمْت فضیلت های الهی سوق می دهد. عاملی که این کشش را ایجاد می کند واعظ، و شخصی که این کشش در او پیدا می شود متعظ است. می فرماید: باکشش به سمت «الله» جانت را زنده نگه‌دار، نگذار روح بمیرد، روحی که کار را برای طبیعت می کند، روح مادیگرا و مرده است زیرا طبیعت بی‌جان نمی تواند هدف بشر باشد، انسانی که طبیعت را رها می کند و قبل از آن، طبیعت و دنیا او را رها می کند شایسته نیست که به طبیعت دل ببندد.

با بی رغبتی به عالم طبیعت دشمن درونی را از بین ببر

«وَأُمِّتْهُ بِالزَّهَادَةِ»: در اثر بی رغبتی به عالم طبیعت دشمن درونی را از بین ببر؛ آن گرایش به طبیعت را، که گردنت را در غلّ و پایت را در سلسله می کند، بمیران و جنبه‌ای که تو را به اَبَد سوق می هد احیا کن.

• جانت را با یقین تقویت و شبستان روح را با چراغ حکمت روشن کن

«وَقَوِّهِ بِالْيَقِينِ وَتَوَرَّعْ بِالْحِكْمَةِ» :

جانت را با یقین تقویت نما، انسان شاک ضعیف است؛ در معارف دین شک نکن، بدان که تو مسافری، نبودی و آمدی و سپس خواهی رفت، به همان دلیل که به دلخواه خود نیامدی به دلخواه خود نیز نمی روی در این میان، راه را به تو نشان داده اند و از تو خواسته اند که راه صحیح را برگزینی، تو خود در انتخاب راه مختاری.

جان و شبستان روح را با چراغ حکمت روشن کن. شناخت مبدأ و معرفت پایان عالم، شناخت رسولان، شناخت وظیفه، کمال و رشد انسانی و عمل به آنها حکمت است.